

امروزه، تقریباً تمام کسانی که به دنبال توسعه و اصلاحات هستند در همه جای دنیا از آموزش و پرورش شروع می‌کنند و رویکردهای برآمده از عصر جدید ارتباطات و فناوری‌ها در تعلیم و تربیت از جمله دیدگاه حداکثری مبتنی بر خود یادگیری و چگونگی یادگیری (فراشناخت)، یادگیری فرایندمدار و مستقل موجب حرکت تدریجی در باز تعریف مفاهیم اساسی تعلیم و تربیت شده است. علم، تدریس، معلم، شاگرد، محتوای درسی و مدرسه در حال احراز تعاریف جدید هستند. جهانی شدن موجب شده تا در بسیاری از موارد مرزهای سنتی آموزش و فناوری‌ها از بین رفته و نیازمند آن است که دوباره تعریف شود. برای مثال از بین رفتن مرز بین دولت‌های ملی و جامعه جهانی، بین فرهنگ ملی و خرده فرهنگ‌های تشکیل دهنده آن، بین مدرسه و جامعه محلی، بین خانه و مدرسه، بین آموزش و کار، بین دنیای کار و مؤسسات یادگیری، بین آموزش رسمی و غیررسمی، بین برنامه درسی از قبل تنظیم شده و انتخاب‌های افراد، بین شاگرد و معلم، بین والدین و فرزندان آنها، بین انسان و ماشین و حتی بین رشته‌های مختلف، موجب شده تا چالش‌های عمده‌ای در آموزش ایجاد شود که به منظور برخورد با آنها و انطباق با تغییرات پیش آمده، برنامه‌ریزان و مربیان آموزشی بایستی گام‌هایی فوری و متهورانه برای تجدیدسازمان آموزشی در تمامی جنبه‌ها و ابعاد بردارند و بدیهی است که غفلت از این کار به معنی سلب مسئولیت به نفع جهانی سازی و جریان متولی آن است. از مطالعه وضعیت موجود در آموزش و پرورش کشورمان می‌توان دریافت که در طول سالیان گذشته، تلاش موفقیت‌آمیزی برای شناسایی این چالش‌ها و مقابله با آنها به عمل نیامده و اگر هم کاری صورت گرفته جامع و کامل نبوده و نظام آموزشی کشور کماکان به روش سنتی خود اداره می‌گردد.

چالش‌های جهانی آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم را می‌توان ناشی از دیدگاه‌های نو به کارکردهای آموزشی و پرورشی دانست. این دیدگاه‌ها قطعاً رویکردهای متفاوتی را به مشکلات آموزش و پرورش ایران و توانمندی‌های آن اضافه و موضوعات گوناگونی را مطرح می‌سازند. مباحثی که هم در میان پژوهشگران و اندیشمندان آموزش و پرورش در سطح دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مطرح می‌باشد و هم نظر کارشناسان آموزش و پرورش، معلمان، والدین و جامعه را به خود معطوف ساخته است.

موضوعات و رویکردهای نوین، از تحولات علمی و فناوری‌های جدید، به ویژه IT و ITC نشأت می‌گیرند. در واقع همین تحولات زمینه را برای ظهور دیدگاه‌های نو هموار کرده و آنها را فراتر از مرزهای ملی، در چارچوبی جهانی مطرح می‌سازند. به علاوه آنها را از محدوده نخبگان و اندیشمندان جامعه خارج نموده و به صورت

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

رویکردی اجتماعی مطرح ساخته و مسؤولیت‌ها و چالش‌های نوینی را فراسوی نظام‌های آموزش و پرورش ملی و از آن جمله ایران قرار می‌دهند. در این مقاله تلاش شده است تا نحوه تأثیرگذاری «جهانی شدن» بر آموزش و پرورش ایران مشخص و عمده‌ترین چالش‌هایی که نظام آموزش ما در آینده با آن روبه‌رو خواهد شد، تبیین و سرانجام راهبردهای آموزشی لازم برای برخورد با این چالش‌ها نیز ارائه شوند.

تاریخچه جهانی شدن آموزش و پرورش

خاستگاه زمانی تحولات در آموزش و پرورش به دو رویداد مهم تاریخی بر می‌گردد: یکی زنگ خطر بحران جهانی در فرانسه در سال ۱۹۶۸، که برخاسته از نهضت فکری ریشه‌داری بود که نظام آموزشی موجود را زیر سؤال برد. این رخداد که به «رویداد ماه مه» معروف است، برخاسته از دانشگاه‌ها، دبیرستان‌ها و به‌طور کلی اشتغال‌های فکری فردی و اجتماعی تمامی افرادی بود که به نحوی وابسته به آموزش و پرورش بودند، یا نظام آموزشی آن زمان سرنوشت ناخرسندی برای آنها رقم زده بود. این نهضت و شورش در واقع عصیانی بود که نسل جوان فرانسه بر علیه نظام آموزشی بر پا کرد. نارضایتی عمده از آنجا سرچشمه می‌گرفت که استادان دانشگاه در سال ۱۹۵۹ پیشنهادهای مختلفی برای تغییر نظام آموزشی به وزیران آموزش و پرورش داده بودند، اما مورد تصویب قرار نگرفته بود. به دنبال آن دانش‌آموزان جزوه‌ای با عنوان «دانش‌آموزان دبیرستانی حرفی برای گفتن ندارند» منتشر کردند و مصرا نه خواستار مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های اداره مدرسه شدند. دولت فرانسه که تهدید به سقوط شده بود، پس از برقراری نظم و قانون، اعتراف کرد که تمرکز در آموزش و پرورش سدی در برابر پیشرفت شده و لذا بدون توجه به نیازهای موجود و رقابت‌های بین‌المللی به راه خود ادامه می‌دهد. وی سپس قوانین جدیدی را برای اصلاح آموزش و پرورش وضع کرد)

دومین رویداد، اجلاس کمیسیون ملی آمریکا برای اعتلای آموزش و پرورش بود که در سال ۱۹۸۱ برگزار و منجر به گزارش تکان دهنده‌ای گردید که در سال ۱۹۸۳ با عنوان «ملتی در معرض خطر» انتشار یافت. گزارش مزبور پس از بیان بررسی‌ها و اعلام نشانه‌های خطر، به مسؤولان آموزش و پرورش کشور هشدار داده و آنها را موظف می‌کرد که برای رفع نارسایی‌ها به چاره‌جویی بپردازند.

لازم به توضیح است که در تاریخ آموزش و پرورش کشورهای جهان، حرکت‌های دیگری که منجر به تغییراتی در نظام‌های آموزشی شده‌اند، وجود داشته اما تا قبل از نیمه دوم قرن بیستم، اغلب نظام‌های آموزشی در

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

ساختارهای سنتی خود و مشابه آنها و غالباً اقتباس گونه از الگوهای متداول اروپایی عمل می کردند. ساختار کلی این الگوها در آموزشکده ها یا واحدهای آموزشی به نام دانشسراها یا کالج های تربیت معلم در کشورهای مختلف جهان، با اعتبارهای علمی-آموزشی متفاوت خلاصه می شود).

بررسی اسناد و کتاب های نوشته شده (عمدتاً در کشورهای پیشرفته) این واقعیت را روشن می کند که نظام آموزش و پرورش تا اواسط قرن بیستم به بی راهه رفته و بین آموزش و زندگی شکاف عمیقی را به وجود آورده است. شکاف بین واقعیت های زندگی و آموزش های مدرسه ای، گرفتاری ها و شکست ها و سرخوردگی های دردآور و زحمت افزایی را درست می کرد. از جمله تحصیل کردگان را از آنچه در بیرون مدرسه می گذشت دور نگه داشته و آنها را با رویدادها و تغییرات بیرونی بیگانه می کرد. این در حالی بود که بیستمین کنفرانس عمومی یونسکو که اوایل دهه ۷۰ در پاریس برگزار گردید، اعلام داشت:

آموزش و پرورش بعد از دهه ۶۰ میلادی گسترش بی سابقه ای پیدا کرده به طوری که طی ۱۵ سال تعداد دانش-آموزان جهان بیش از ۷۰ درصد، تعداد معلمان بیش از ۱۰۰ درصد و تعداد بزرگسالانی که می توانستند بخوانند و بنویسند بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است.» (یونسکو، ۱۹۸۴)

در ابتدای آخرین ربع قرن بیستم، جهانیان دریافتند که آموزش و پرورش نمی تواند و نباید از واقعیت های زندگی دور بماند. این موضوع ورد زبان ها شد و سرانجام نظام آموزشی تازه ای را پی ریخت و معلم را در پایه و شالوده خود قرار داد. از آن به بعد در گیرودار دگرگونی های محتوایی برنامه ها و نوآوری های آموزشی نقش معلم عمده ترین موضوعی بود که بیشترین توجه را به خود جلب می کرد. به دنبال این موضوع در نوامبر ۱۹۸۰ یک گروه بین المللی متشکل از شخصیت های علمی، آموزشی و فرهنگی ۲۰ کشور از جمله دانمارک، چین، مجارستان، شوروی سابق، مکزیک، تایلند، فرانسه، یوگسلاوی، هند، برزیل، آمریکا و... به عنوان مشاور دبیرخانه یونسکو در پاریس گردهم آمدند و موضوعات اساسی آموزشی را مورد بررسی قرار دادند. پس از آن دومین گردهمایی بین المللی تفکر درباره آینده آموزش و پرورش در دسامبر ۱۹۸۱ در پاریس تشکیل شد و به جمع بندی و نتیجه گیری از کوشش های به عمل آمده پرداخت. اهم این نتایج عبارت بودند از:

- ✓ اهمیت دادن به نقش معلم و طولانی کردن مدت کارآموزی و بازآموزی تربیت معلم؛
- ✓ گسترش کمی و کیفی تربیت معلم متناسب با رشد و گسترش آموزش و پرورش؛

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

✓ تحول در برنامه های آموزشی، محتوای کتاب های درسی و اضافه شدن منابع دانش و اطلاعات از قبیل: روزنامه ها، کتابخانه ها، موزه ها، فیلم، برنامه های رادیویی و تلویزیونی، تئاتر، رایانه و میکرو الکترونیک و...». (یونسکو، ۱۹۸۴)

همه اقدامات به عمل آمده سبب پیوند آشکارتر و ضروری تر آموزش و پرورش با جامعه، اقتصاد، علم و فناوری، فرهنگ، و نیز با دنیای خارج از مرزها، گردید تا با جهت گیری صحیح به سوی استعداد های فردی سازگاری های بیشتری پیدا کند. در نتیجه در برنامه های آموزش علوم، در کشورهای پیشرفته تا دگرگونی های علمی بیشتری توصیف و به کار گرفته شدند.

رسانه های گروهی و ارتباطات جمعی نیز به مسائل آموزش و پرورش پرداختند و به تدریج در خدمت رشد اقتصادی و اجتماعی درآمدند؛ در واقع نوعی آموزش غیر مدرسه ای هم به وجود آمد.

با این همه، تحولات و تغییرات در هر یک از زمینه های یاد شده خالی از اشکال نبود. تحولات به قدری سریع بودند که اشکالات و گرفتاری های حساب نشده به وجود آوردند. گرفتاری هایی که هر یک از آنها نیازمند اقدام های همه جانبه دیگری شد تا از یک سو زندگی در کره خاکی را از خطرات بزرگ و گمراه کننده برهاند، و از سوی دیگر هویت های فرهنگی ملل و جوامع را محفوظ نگاه دارد. مجموع این چالش ها و مشکلات زیر عنوان مسائل جهانی مطرح هستند.

در سال ۱۹۹۱ که به سال اندیشه ها، نظریه پردازی ها و ترغیب ها معروف است، سه کتاب اثرگذار منتشر شد که بر تحولات جهانی آموزش و پرورش تأثیر جدی گذاشت. در این سال الکساندر کینگ نخستین رییس باشگاه رم و برتراند اشنايدر (دبیرکل باشگاه رم و عضو آکادمی جهانی هنر و علم) کتابی تحت عنوان نخستین انقلاب جهانی در دو بخش تنظیم و منتشر کردند که بخش اول، شرح کاملی از مشکلات و معضلات جامعه بشری در عصر حاضر و بخش دوم، بیان راه حل هایی است که برای رفع این مشکلات آورده اند. نویسندگان بر این باورند که جهان بد اداره می شود و کشورها از آن بدتر. آنها برای اثبات این سوء مدیریت دلایل متعددی را برمی شمارند از جمله:

- حکومت ها در برابر تغییر ایستادگی کرده و از خلاقیت پرهیز می نمایند. درحالی که بدون تغییر، نوآوری و خلاقیت نمی توان بحران های کنونی را پشت سر گذاشت؛

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

- بیشتر حکومت ها به مسائلی توجه دارند که متعلق به امروز است نه آینده؛ در نتیجه از پرداختن به امور اساسی و بنیادین غافل می مانند؛
- الزامات جهان امروز ایجاب می کند تا افرادی با این صفات در رأس امور قرار گیرند: توان نوآوری و انطباق با نوآوری، برخورد اخلاقی و عادلانه با مسائل و توان بالای یادگیری.

آنها سپس ارتقای توانایی حکومت را منوط به ترکیب سه عامل دیگر می دانند که به مثابه اهرم هایی عمل کرده و اداره امور را ممکن می سازند:

- آموزش و پرورش به معنای امروزی آن؛
- بهره گیری از علوم و فناوری های جدید؛
- استفاده مناسب از رسانه های همگانی.

آموزش و پرورش نوین به معنای یادگرفتن در زندگی و از زندگی، و نیز فهمیدن جهان در حال تغییری است که در آن زندگی می کنیم.

آموزش و پرورش یعنی یادگیری یادگیری. بر اساس این اصل، نظام های آموزشی باید از بن متحول شوند.

بهره گیری از علوم و فناوری های جدید یعنی یاری جستن از آنها برای رویارویی با مهمترین چالش هایی که در آینده گریبان گیر بشریت می شوند.

کینگ و اشنايدر پس از تشریح سه اهرم اداره جامعه، راه حل های زیر را ارائه می دهند:

سازگاری با تغییر؛ درک نقش آموزش و پرورش؛ تغییر در شیوه یادگیری؛ مبارزه با مشکلات آموزش و پرورش؛ توجه به اهداف آموزش و پرورش نوین؛ بها دادن به نقش معلم؛ انتخاب شیوه های بهتر در برنامه ریزی آموزش و پرورش؛ توجه به انگیزه ها و ارزش ها و ارج نهادن به ارزش های اخلاقی و معنوی.

یادگرفتن و یادگیری کلید بالا بردن کیفیت منابع انسانی است. این کلید وقتی به کار می آید که آموزش، مجموعه ای از فرایندها تلقی شود. فرایندهایی که نه تنها مهارت های حرفه ای را شکل می دهند، بلکه فرد را قادر می سازند تا استعداد های بالقوه خویش را برای مشارکت هوشمندانه و پذیرش مسئولیت و احترام به بشریت شکوفا کند.

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

نظام آموزشی دستخوش سه معضل است که باید با آنها مبارزه کنیم: فراوانی اطلاعات؛ واپس گرایی و عدم تناسب.

بر خلاف گذشته آموزش و پرورش امروز و آینده به معنای فرایند دائمی یادگیری توسط هر انسان و هر جامعه است. یکی از اهداف تازه آموزش و پرورش یادگیری تغییر است. کسب دانش، پرورش هوش، استعداد، شناخت خود و آگاهی از موهبت ها و استعداد های خویش، به کار انداختن قوای ذهنی خلاق و پر تخیل، غلبه بر انگیزه های نامطلوب و ویرانگر، ایفای نقش مسئولانه و... از جمله هدف های آموزش و پرورش نوین است. (کینگ و اشنایدر، ۱۹۹۰)

در دومین کتابی که حاوی ۵۴ مقاله در مورد آموزش و پرورش نوین توسط شعبه اروپایی مؤسسه مطالعات قرن ۲۱ مستقر در سوئد منتشر شد، آمده است:

- اهمیت دادن به کارهای جمعی و گروهی که توسط افراد بومی انجام می پذیرند؛
- پشتیبانی وسیع مالی از طریق نهادهای مختلف که می تواند استمرار تأمین مالی را تضمین کند؛
- جلب مشارکت وسیع که بتواند معرف نقطه نظرات همه گروه ها باشد؛
- دربرگیری تمامی بخش های کلیدی و توجه ویژه به روابط بین آنها که در آینده نقش مهمی خواهند داشت؛
- مطالعه چشم اندازهای درازمدت به جای توجه به مسائل کوتاه مدت؛
- مطالعه روابط متقابل بین کشورهای جهان در همه زمینه ها؛
- بررسی راهبردهای پایدار از نظر اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی؛
- بررسی و مطالعه مقوله های اخلاقی، فلسفی و سیاسی و ارزشیابی کفایت نهادهای ملی برای پرداختن به آنها؛
- شفاف کردن هدف های تحقیق و برگزیدن شیوه های مناسب علمی؛
- بررسی چگونگی کاربست نتایج به دست آمده از تحقیقات به ترتیبی که توجه عموم را برانگیزاند و به بهبود سیاست گذاری ها و اقدامات عملی منجر شود.

و موضوعات دیگری از قبیل: **هدایت اجتماعی، تغییرات محیط سیاسی، الگوهای اقتصادی وابسته به هم، تقاضاهای اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، تغییر در فرهنگ، محیط زیست و فناوری.** علاوه

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

بر اینها به اندیشه های چاره جویانه برخی از کشورها در رابطه با مسائل فوق اشاره می کند که نشان دهنده ضرورت توجه به آموزش و پرورش نوین است.

در سومین کتاب در مورد آموزش و پرورش نوین مربوط به مرکز آسیایی نوآوری های آموزشی برای توسعه (ACEID) وابسته به دفتر منطقه ای یونسکو در بانکوک می باشد. در این کتاب به موضوعاتی چون نقش آموزش و پرورش در تغییر ارزش ها و نگرش ها، آموزش و پرورش و تکنولوژی های آموزشی نوین، توسعه انسان گرا، نقش معلم و... اشاره می شود.

در سال ۱۹۹۳ ششمین کنفرانس وزرای آموزش و پرورش منطقه آسیا-اقیانوسیه متشکل از ۳۳ دولت از جمله ایران که در مالزی برپا شد، به توصیه نامه ای رسید که توجه به اصلاحات در آموزش و پرورش باید سرلوحه امور اعضا قرار گیرد. این توصیه نامه چهار موضوع عمده زیر را در بر می گیرد:

- ❖ (۱) آموزش برای همه؛
- ❖ (۲) آموزش زنان و دختران؛
- ❖ (۳) کیفیت و تناسب آموزش با زیرعنوان های: تحقیقات آموزشی و نوآوری برای توسعه؛ آموزش برای دنیای کار؛ آموزش معلمان
- ❖ (۴) همکاری منطقه ای و بین المللی در آموزش و پرورش.

ویژگی های جهانی شدن و آموزش و پرورش

برخی معتقدند که جهانی شدن و امکان دسترسی به آموزش جهانی می تواند باعث رشد شخصیت های چندبعدی گردد که در زمینه های مختلف دانش و مهارت کسب نموده و از این رو امکان موفقیت آنها در مشاغل مختلف بالاست و قادرند در صورت لزوم، حیطة کاری خود را تغییر داده و با تکیه بر دانش ها و مهارت های چندبعدی خود در عرصه رقابت های بین المللی پابرجا بمانند.

از سوی دیگر برخی اعتقاد دارند که جهانی شدن آموزش و پرورش مانند سایر ابعاد جهانی شدن چون متأثر از فلسفه نئولیبرال است منجر به خصوصی شدن آموزش می گردد و این امر با شعار پرورش انسان های توانمند

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

چندبعدی مغایرت خواهد یافت. زیرا در این صورت، مستعدان بی سرمایه که توانایی استفاده از بخش خصوصی را ندارند در عرصه رقابت های بین المللی جایی نخواهند داشت.

هم چنین برخی از دیدگاه های موافق و مخالف در زمینه جهانی شدن آموزش و پرورش عبارتند از:

"مارتین کارنوی" در تحلیل جامع خود معتقد است که بررسی جهانی شدن فراتر از تأثیر آن بر کلاس درس است. گر چه روش عرضه دانش در کلاس درس بخش مهمی از تولید دانش است، اما در این فرایند نیروهای خارجی متعددی بر جهانی شدن و تولید دانش اثر می گذارند. بر این اساس کارنوی در مسیر شناسایی چگونگی تأثیر جهانی شدن بر آموزش و پرورش به پنج عامل اساسی اشاره می کند:

- تغییر سازمان کار و ظهور اقتصاد دانش محور و اهمیت یافتن مهارت نیروی انسانی؛
- تربیت مهارت های برتر برای جذب سرمایه گذاری خارجی؛
- سیاسی شدن اصلاحات آموزشی؛
- گسترش نفوذ اینترنت و آموزش مجازی؛
- ضرورت جهت گیری هر چه فزون تر نظام های آموزشی به سمت آموزش بین فرهنگی.

ویژگی های جهانی شدن

جهانی شدن بر سازمان کار و روش انجام کار در سطح جهان نیز مؤثر بوده و مهمترین بخش این تأثیر به تولید کالا با مهارت بالاتر مربوط می گردد.

- گسترش اقتصاد دانش محور
- انعطاف پذیری
- تأثیر کارگران بر مشاغل خود
- جریان چند مهارتی
- افزایش سطح مهارت و دانش کارگران
- نابرابری درآمدها
- گسترش تقاضا برای آموزش عالی و مانند آن

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

از ویژگی های جهانی شدن است. در چنین فضایی، کشورهای در حال توسعه برای افزایش و گسترش آموزش و تربیت نیروی کار ماهر تحت فشار قرار دارند. تجهیز کشورها به نیروی کار ماهر موجب جذب سرمایه های خارجی می شود که در اقتصاد جهانی نقش تعیین کننده ای دارد. اما سرمایه گذاران خارجی علاقه مند به سرمایه گذاری های کوتاه مدت هستند. چنین رویکردی باعث می شود تا دولت ها بودجه های آموزش و پرورش را کاهش داده و به دنبال راه ها و منابع دیگر تأمین مالی آن باشند. چنین رویه ای ممکن است دولت ها را در سیاست گذاری برای بهبود و توسعه آموزش و مهارت در اقتصاد نوین جهانی با مشکل مواجه سازد.

از سوی دیگر فناوری اطلاعات به تدریج بخشی از برنامه های درسی مؤسسات آموزشی شده و این اقدام به منظور گسترش کیفیت آموزش با هزینه های کمتر و از راه دور، و نیز عرضه کیفیت برتر آموزشی با استفاده از اینترنت صورت می گیرد. این نوع سیاست گذاری موجب ارتباط هر چه گسترده تر دانش آموزان در سراسر دنیا با یکدیگر می شود. در این رابطه کیفیت نظام های آموزشی به طور متزایدی در سطح جهانی مورد مقایسه قرار می گیرد. این مقایسه ها تأکید بسیاری بر برنامه های درسی علوم و ریاضی، زبان انگلیسی و مهارت های ارتباطی دارند. امتحانات و تعیین استانداردهای آموزشی بخش وسیعی از تلاش هایی هستند که به منظور ارتقای سطح مسئولیت و پاسخگویی نظام آموزش و پرورش در قبال جامعه، مورد توجه قرار گرفته اند. با سنجش دانش تولید شده، کارکنان و مدیران آموزشی نیز مورد ارزشیابی قرار می گیرند. اما روش امتحانات به شدت متأثر از محیط سیاسی و اهداف نظام آموزشی است. لذا برای توسعه سیاست های اثربخش به منظور بهبود نظام آموزشی باید گرایش های سیاسی - عقیدتی امتحانات از چارچوب و محتوای مدیریت نظام های آموزشی مجزا گردد.

جهانی شدن شبکه های اطلاعات به منزله انتقال فرهنگ جهانی است. جهانی شدن همچنین به گونه ای است که بعضی از گروه ها احساس می کنند ارزش های بازار ناشی از فرهنگ نوین، آنها را به حاشیه رانده است. لذا این گروه ها از طریق تأکید بر ارزش های خاص به مقابله با اقتصاد جهانی می پردازند؛ ارزش هایی که خود نیز جهانی شده اند (مانند گروه های مذهبی، طرفداران محیط زیست، فرانوگرایان، جنبش فمینیستی و مانند آن) و همزمان علیه نظام بازار نیز به مقابله می پردازند. چنین جریان نزع تازه ای در رابطه با مفهوم و ارزش دانش به وجود می آورد.

دیدگاه موافقین جهانی شدن در آموزش و پرورش

این گروه معتقدند که جهانی شدن باعث:

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

الف) نزدیکی بیشتر کشورها از نظر مبادلات اقتصادی و فرهنگی می‌گردد و در نتیجه موجب همکاری و رقابت جهانی در زمینه‌های علمی، فرهنگی، ورزشی و هنری نیز خواهد شد.

ب) بر اساس نظر این گروه، در دیدگاه جهانی، آموزش و پرورش به عنوان وسیله‌ای برای شرکت در فعالیت‌های جهانی است. و افراد باید آموزش ببینند تا بتوانند در عرصه‌های بین‌المللی موفق باشند و این اهداف، امری فراتر از موفقیت اقتصادی قلمداد می‌گردد. از نظر این گروه، جهانی شدن می‌تواند منجر به نوعی ترکیب فرهنگ‌ها گردد که در درون مرزهای ملی صورت می‌پذیرد.

ج) توانایی زندگی کردن، فهمیدن و ارزش گذاردن بر تفاوت‌های فرهنگی یکی از ارزشمندترین درس‌های آموزش و پرورش است که در دیدگاه جهانی می‌توان آن را برآورده ساخت.

یکی دیگر از اشکال جهانی شدن می‌تواند به صورت ملحق شدن به یک سیستم آموزشی بین‌المللی باشد که در آن مدارس کشورهای مختلف دنیا می‌توانند از یک برنامه آموزشی هماهنگ برخوردار باشند. مانند مؤسسه IBO که بیش از هزار مدرسه ابتدایی و راهنمایی را در سراسر دنیا پوشش می‌دهد. مجموعه‌ای از این مدارس که شامل ۴۰۰ مدرسه دولتی است، مشترکاً معتقدند که این امر یعنی تبدیل برنامه‌های آموزشی ملی به برنامه‌های بین‌المللی باعث غنی‌سازی برنامه‌های آموزشی کشورشان شده است.

با این وجود بسیاری از کشورها چندان تمایلی به وارد ساختن آموزش و پرورش خود در حیطه جهانی ندارند؛ چرا که آن را ابزاری برای اعمال سیاست‌های ملی و قومی خود نمی‌دانند.

دیدگاه مخالفین جهانی شدن در آموزش و پرورش

این گروه معتقدند: در حال حاضر جهانی شدن سعی در ایجاد علائق مشترک برای کسانی دارد که طرفدار آموزش و پرورش دولتی هستند. افرادی که براین باورند در هر منطقه‌ای از دنیا که زندگی کنند باید بتوانند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند و از امکانات آموزش عمومی بهره‌گیرند. کسانی که اعتقاد دارند برابری در بهره‌گیری امکانات آموزشی تنها در سایه آموزش و پرورش عمومی امکان‌پذیر است؛ چراکه بودجه آن توسط دولت تأمین شده و برای همه یکسان ارائه می‌گردد. آموزش و پرورش که دموکراتیک بوده و مخصوص صاحبان پول و سرمایه نباشد. اما طرفداران جهانی شدن، تصور می‌کنند که با مطرح نمودن نتایجی نظیر یکپارچگی اقتصادی، بی‌مرز شدن و یگانگی فناوری کشورها و غالب بودن ایدئولوژی نئولیبرال می‌توانند منشأ علائق مشترک باشند.

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

طرفداران آموزش عمومی و دولتی اظهار می کنند که از پیدایش دیدگاه جهانی تاکنون یعنی تقریباً از اواسط دهه ۹۰، الحاق آموزش و پرورش کشورها به ساختار جهانی تنها در قالب طرح های بین المللی امکان پذیر بوده است. طرح هایی که اساساً تجاری - بازرگانی هستند و با هدف برقراری توافق های بین المللی بازرگانی و سرمایه گذاری طرح ریزی شده اند، نظیر توافق نامه های APEC، NAFTA، MAI و غیره که همگی واحدهایی از برنامه جامع «فرایند تشکیل مجامع کشورهای آمریکایی» هستند. این طرح ها، با وجود ماهیت تجاری خود به آموزش و پرورش نیز پرداخته و علاوه بر اینکه در مورد سیاست های آموزشی به طور نامطلوبی تصمیم گیری شده، دارای نقاط مشکوک و شبهه انگیزی نیز می باشد.

به عنوان مثال در یکی از بندهای NAFTA و یا GATT آمده است که اگر کشوری به یکی از این قراردادهای تجاری بپیوندد و اداره آموزش و پرورش کشور خود را نیز تابع قرارداد جهانی سازد، بعداً حق ندارد آن را خارج نماید ولو اینکه اکثریت مردم آن کشور از آنچه در آموزش و پرورش کشورشان اتفاق بیفتد ناراضی بوده و رأی به خروج از آن قرارداد بدهند.

چالش های آموزش و پرورش ایران

به منظور تبیین بهتر موضوع، ابتدا برخی از چالش های آموزش و پرورش کشور از منظر بین المللی و جهانی بررسی و سپس عملکرد آموزش و پرورش در راستای مواجهه با این چالش ها مورد مذاقه قرار می گیرد:

فرصت ها

الف- آموزش زیست محیطی

امروزه بحران محیط زیست یک مسئله جهانی تلقی شده و آنچه به عنوان عوامل تهدیدکننده محیط زیست انسان مطرح می شود بسیارند از جمله: افزایش آلودگی ها، کاهش منابع طبیعی نظیر جنگل ها، افزایش جمعیت، نابودی لایه اوزن و... معهداً این مسئله که نسبت آموزش و پرورش با بحث های زیست محیطی چیست و آموزش محیط زیست از کجا و چه زمانی باید آغاز شود؟ جایگاه این آموزش ها در مدرسه و در کلاس درس کجاست؟ مشکلات محیط زیست و خطراتی که انسان برای محیط زیست به وجود آورده کدامند؟ و چگونه می توان از افزایش آنها جلوگیری کرد؟ موضوع هایی است که نیاز به آموزش را بیشتر ساخته و مسؤولیت های بیشتری را برای نظام

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

آموزش و پرورش ایران به همراه آورده است. کشورهای پیشرفته با برنامه ریزی به هنگام سعی کرده اند این آموزش ها را به خانواده، مدرسه و کلاس درس بیاورند.

در ایران هم باید این مباحث به شکل جدیدی در برنامه های آموزشی و درسی و حتی آموزش خانواده وارد شود و این فرصت های یادگیری در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد. فرصت های یادگیری که دانش آموزان را به طور عینی با این مسائل آشنا و جامعه را متوجه این مباحث سازد. به طوری که یک مادر هم بتواند این آموزش ها را به فرزندانش منتقل کند.

ب- حقوق شهروندی، مردم سالاری و مشارکت اجتماعی

دومین موضوعی که امروزه در سطح بین المللی خیلی اهمیت دارد، دموکراسی، مدنیت و نقش آموزش و پرورش در آن و نقش و حقوق انسان در جامعه و مدرسه است. به عبارت دیگر نسبت انسان با جامعه، جامعه با مدرسه و بالاتر از آن نسبت جوامع با یکدیگر و نقشی است که آموزش و پرورش در این میان دارد.

بحث دیگری که در این حوزه مطرح است بحث مشارکت انسان در جامعه است. مشارکت در اداره جامعه، فعالیت های مدنی و مطالبه حقوق شهروندی نیاز به شناخت لازم، مهارت های خاص و نگرش های سازنده دارد. مشارکت آموختنی است و باید آن را از همان کلاس درس و خانواده بیاموزیم و تمرین کنیم. آموزش و پرورش نقش ویژه ای در آموزش و تمرین این مشارکت در میان کودکان دارد. به علاوه مشارکت تنها در سطح خانواده، منطقه یا محل جغرافیایی خاصی که انسان در آن متولد شده و زندگی می کند نیست، بلکه هنگامی که این مهارت ها در انسان ها شکل می گیرند از سطح خانواده، محل زادگاه، منطقه و... خارج شده و به سطح ملی و بین المللی ارتقا می یابد. در واقع این همان چیزی است که دنیای امروز به آن نیازمند است.

فناوری نوین به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات و نسبت آن با آموزش و پرورش موضوع دیگری است که آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم با آن روبه رو است و آنچه در اینجا به عنوان یک بحث نو مطرح است، بهره گیری از فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات در فرایند یاددهی - یادگیری است.

استفاده از فناوری ارتباطات در آموزش و پرورش بدین معنی است که ما باید این فناوری را به کلاس درس آورده و در فرایند یادگیری از آن بهره گیریم تا دانش آموزان نسبت به این فناوری نگرش سازنده ای پیدا کنند.

تهیدها

الف- ورود رایانه به آموزش و پرورش

خطراتی که ممکن است ورود رایانه به تعلیم و تربیت داشته باشد، عبارتند از: منروی شدن دانش آموزان از جامعه، خدشه دار شدن رابطه معلم و دانش آموز، در معرض خطر قرار گرفتن آموزش ارزش های انسانی و بیش از حد قالبی شدن تعلیم و تربیت.

ب- اینترنت

امروزه آسان ترین کار برای دانش آموزان و دانشجویانی که با اینترنت سرو کار دارند، کاربرد نابه جای آن است. آنها از موضوع مورد تحقیق خود واژه هایی را انتخاب و با استفاده از موتورهای جست و جوگر مطالب را پیدا، و با قرار دادن مطالب از منابع مختلف کنار هم، چیزی به عنوان تحقیق ارائه می دهند. امروزه، دانش آموزان و دانشجویان با استفاده از اینترنت تحقیقات خود را انجام می دهند. شبکه اینترنت، تحقیق را بسیار ساده تر از آنچه که هست، نشان می دهد. چون نتایج بی شماری را ارائه می کند و نیز منابع فراوان، تصاویر و خلاصه مطالب را به سهولت و سرعت بر روی صفحه نمایشگر پدیدار می کند.

ج- تک فرهنگی و از بین رفتن فرهنگ های بومی

هویت ملی که منتج از مفهوم هویت می باشد، ملت ها را قابل شناسایی و از هم متمایز می کند. هویت ملی، ابزاری برای تفکیک یک ملت از ملت دیگر با تکیه بر آگاهی مشترک حول مفهوم یا مفاهیم تعریف شده جمعی است و تا زمانی که آگاهی مشترکی برای تفکیک خود از دیگری به وجود نیاید، هویت ملی، امکان شکل گیری ندارد. در ارتباط با مقوله جهانی شدن مسئله نگران کننده، رشد تک فرهنگی جهانی است، فرهنگی که از سوی رسانه های جهانی غرب و شبکه های روابط عمومی آنها تبلیغ می شود، فرهنگی که به مردم دیکته می کند که چه بپوشند، چه بخورند، چگونه زندگی و چگونه فکر کنند.

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

البته این تفسیر بیشتر از نگاه کسانی است که این پدیده را به عنوان یک پروژه در نظر می گیرند که توسط جهانی-سازان آمریکایی برنامه ریزی و هدایت می شود. از طرفی فرهنگ آمریکایی در پی دستیابی به رهبری ایدئولوژیک جهانی است. این فرهنگ، با آنکه در بستر روشننگری اروپا شکل گرفته، امروزه تفسیری کاملاً آمریکایی پیدا کرده است. این فرهنگ، به انسان، نگاهی تک بعدی و مادی دارد. بر این پایه، در حوزه رهبری ایدئولوژیک آمریکایی همه تجزیه و تحلیل ها در حیطه فناوری مادی صورت می گیرد و همه دل مشغولی ها، به بهینه سازی و بهره وری این دنیایی محدود می شود. به علاوه، رهبری ایدئولوژیک آمریکا، دامنه انتخاب را برای غیرآمریکایی ها محدود می کند و به همین دلیل، فرهنگ آمریکایی، همانند یک پالایشگاه، تنها به خود حق می دهد که بگوید چه چیزی خالص و درست، و چه چیزی نادرست و ناخالص است. این سلطه جویی فرهنگی با موانعی چون فرهنگ انقلاب اسلامی مواجه است که سعی دارد، براساس دو پایه توأمان مادیت و معنویت، نقشی جهانی ایفا کند. جدال بین این دو فرهنگ جهان نگر از بدو پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده و با طرح پروژه جهانی سازی شدت یافته است.

یکی از ابعاد جدال بین فرهنگ انقلاب اسلامی ایران و فرهنگ جهانی سازی آمریکایی، در معناسازی فرهنگی است. فرهنگ، گاه به عنوان یک نظام معنا دهنده تعریف می شود. در این معنا، فرهنگ در پی کنترل دیگران است و برای دستیابی به این امر، فرهنگ آمریکایی می کوشد تا ارزش های همسو و همگن با آمریکا را در کشورهای اسلامی از جمله ایران ترویج کند. در صورت تحقق این همسویی، تفسیر واحدی از پدیده های پیرامونی، در میان مردم و مسؤولان دو کشور صورت خواهد گرفت و این، آغاز تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرهنگی خواهد بود. یکی از راه های معناسازی فرهنگی، هویت زدایی فرهنگی است. مسخ تاریخی یا هویت زدایی تاریخی، بدین معنا است که گذشته افتخارآمیز یک ملت از آنان سلب و در ذهنیت آنان نسبت به آینده، بی تفاوتی ایجاد گردد؛ به گونه ای که صرفاً در مسائل روزمره محصور شوند. ملت بی تاریخ یا مبتلا به گسل تاریخی، مجذوب دیگران می شود و برپایه تفسیر غیربومی به ارزیابی حوادث می پردازد؛ نتیجه آنکه چنین ملتی در سه حوزه معرفت، قدرت و اخلاق، به پذیرش سلطه فرهنگی بیگانه تن می دهد..

د- کاهش ارزش زمان گذشته و افزایش ارزش زمان حال

از جمله اصول مهم در نظام آموزشی سنتی جامعه ایران، ارزش فوق العاده ای است که زمان گذشته دارا می باشد. همواره در گفتمان ها، از این ارزش به عنوان تجربه یاد می شود و پیوسته افراد بزرگتر را درس آموز و صاحبان

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

تجربه دانسته و سعی همگانی بر این است که با استفاده از تجربه ایشان، بر دانش خود بیفزایند. این تلقی، اصول نظری و عملی خاصی را در نظام آموزشی حاکم ساخته که معمولاً به عنوان «دب تحصیل» از آن یاد می شود.

این در حالی است که تحولات رخ داده در عرصه فناوری و روش های نوین آموزشی، به شدت این اصل را دستخوش تحول ساخته است. امروزه یک جوان با استفاده از امکانات آموزشی و ارتباطی، به حجم بالایی از اطلاعات و دانش دست می یابد و این چنین می شود که ارزش زمان تجربه شده به شدت کاهش می یابد و در نتیجه ادب پیشین نیز متحول می شود؛ چرا که جوان امروزی خود را نیازمند تجربه نسل قبل ندیده و احساس می کند به توانمندی ها و دانش هایی دست یافته که به مراتب بیشتر از دانسته های نسل پیشین است. با توجه به سرعت فزاینده رشد امکانات جدید آموزشی و ارتباطاتی در جامعه ما، این تحول در حال وقوع است. پس باید توجه داشت که نسل جدیدی از دانش آموزان در راه هستند که تصور و تلقی متفاوتی از زمان گذشته دارند و بنابراین نمی توان از آنها توقع ادب تحصیلی پیشین را داشت.

ه- پدیده بی سوادی مدرن

افزایش جمعیت خواهان دسترسی به اطلاعات و کسب مدارج عالی علمی، محدودیت های مادی و انسانی موجود بر سر راه تأمین این نیازها و تحول فزاینده تغییرات اجتماعی، مانع از آن می شود که همچنان روش های سنتی آموزش بتوانند برای پاسخ گویی به نیازهای جهانی معاصر مورد توجه قرار گیرند. در این خصوص می توان به پیدایش پدیده های نوینی همچون: دانشگاه های مجازی و استفاده از روش های الکترونیکی اشاره نمود، که متأسفانه مشارکت و سهم ما در طراحی یا کاربرد این مقولات بسیار پایین است. به عنوان مثال در بحث مهم آموزش الکترونیکی در برخی از دانشگاه ها مانند: تهران، صنعتی شریف و شیراز، اقدامات محدودی صورت پذیرفته است و درصد بسیار ناچیزی از کل نظام آموزشی ما را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، می توان ادعا کرد که ما با روش های سنتی و غیرکارآمد وارد عرصه پیشرفته آموزشی در عصر اطلاعات شده ایم و به همین دلیل نه توان جذب تمامی علاقمندان دارای استعداد را داریم و نه امکان آموزش مناسب به معدود افرادی که جذب می کنیم. نتیجه این مهم، پیدایش پدیده منفی مهاجرت سرمایه های علمی می باشد که به منظور دستیابی به علوم و دانش مورد نظرشان راهی کشورهای دیگر می شوند. لازم به ذکر است که استمرار این فرایند، در آینده می تواند، منجر به بروز اشکال نوین و مدرنی از بی سوادی در کشور شود. هم اکنون نیز در بعضی از قسمت های علم و دانش، این آفت نمود یافته است. برای مثال می توان به فناوری برتر اشاره کرد. در حالی که در کشور مالزی ۵۴

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

درصد، کره ۳۲ درصد، انگلیس ۳۰ درصد، ژاپن ۲۷ درصد، آلمان ۱۷ درصد و ترکیه ۴ درصد از کل صادرات صنعتی شان در سال ۱۹۹۹ به حوزه فناوری برتر اختصاص داشته، این بخش در ایران، در بهترین حالت چیزی کمتر از یک درصد بوده که نوعی از فقر و محرومیت را تداعی می کند. این تحلیل با توجه به تعداد افرادی که به صورت حرفه ای در این بخش شاغل هستند، نیز قابل ارزیابی است. از سوی دیگر درصد شاغلان در این حوزه از کل نیروی کار شاغل در سال ۱۹۹۹ میلادی، برای آلمان ۱۱/۲ درصد، انگلیس ۷/۶ درصد، ژاپن ۳/۶ درصد و آمریکا ۵/۳ درصد بوده است؛ ولی در کشور ما عملاً درصد قابل ذکری برای این بخش مهم وجود ندارد. آمارهایی از این قبیل بسیار نگران کننده می باشد و به شکل گیری نوعی جهل و بی سوادى مدرن دلالت دارد، که در صورت استمرار می تواند به افت شدید سطح آموزشی در کشور منتهی شود. از این منظر، حوزه های عالی دانش مورد توجه و اقبال قرار نگرفته است و در نتیجه فقر کارشناس و برنامه ریز در سطح مدیریتی، راه را بر بومی شدن این حوزه های علمی مسدود می سازد. در نتیجه، جامعه نخبگان ما از مزیت آشنایی علمی و کاربرد عملیاتی این دانش های حساس محروم شده و این محرومیت به درون پیکره جامعه نفوذ می کند و نسلی آموزش دیده وارد جامعه می شوند که اگرچه استانداردهای سنتی آموزش را دارند، اما از معدل خوبی در فضای جهانی برخوردار نمی باشند.)

و- پدیده آموزش های ناهمسان

رشد فناوری های ارتباطاتی، تنوع محصولات و روش ها و متون آموزشی منجر به آن شده که بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران دچار معضل و پدیده «آموزش های ناهمسان» یاد شده که در اثر آن بخشی از دانش آموزان در حالی که در درون یک نظام آموزشی رسمی واحد در حال تحصیل می باشند، به واسطه دسترسی به امکانات تازه (به ویژه شبکه اینترنت)، به صورت غیررسمی از آموزش های دیگری نیز بهره مند می شوند. آموزشی که چون جامعه مورد نظر در آن نقشی ندارد، با آموزش رسمی، همسان نمی باشد. این ناهمسانی بین این دو فضا، می تواند لطمات جبران ناپذیری به نظام آموزشی ایران وارد نماید.

ز- عدم همراهی ذهنیات با عینیات

آموزش و پرورش رسمی کشور بر محفوظات تکیه دارد و این روند برای هر دانش آموزی تا دوازده سال ادامه می یابد لذا اغلب آموزش هایی که طی این مدت اریه می شود، تا مرحله «ذهن» است و به مرحله «عین» نمی رسد.

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

عدم «همراهی ذهنیات «با» عینیات «و تماس نیافتن آموزه های تئوریک با تجربه ها و واقعیت ها، نتیجه ای جز بیگانه سازی دانش آموزان با دنیای پرتنوع و فعال بیرونی ندارد. به عبارتی آموزش و پرورش رسمی ایران، دانش آموزان را با فرایندهای اجتماعی درگیر نمی سازد لذا دانش آموزان برخاسته از این نوع نظام آموزشی، در رویارویی با موج فرهنگ جهانی دچار انحرافات فکری خواهند شد.

ح- آموزش زبان خارجی

جهان امروز از کشورهای متعدد و گوناگونی تشکیل شده که هر یک به سبب تاریخ خاص خود از فرهنگ و زبان متفاوتی برخوردار است و این تنوع و گوناگونی، گاهی امکان زندگی مشترک انسان ها در کنار یکدیگر را دشوار می سازد؛ چرا که زبان صرفاً ابزاری برای برقراری ارتباط نیست، بلکه جهانی بینی افراد، قوه تخیل آنها و روش انتقال دانش را نیز بیان می کند. پیام یونسکو، به علاوه، انتقال یک مفهوم از فرهنگی به فرهنگ دیگر، همواره مستلزم چالش تغییر از یک نظام فکری به نظام فکری دیگر است و این نظام های فکری غیرقابل مقایسه می توانند منبع متقابل عدم درک، سوء تفاهم و حتی تحقیر و بی اعتنائی افراد و اقوام به یکدیگر شوند.

از طرف دیگر، با ظهور پدیده ای به نام «جهانی شدن» و تأثیر آن بر کلیه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی، ضرورت برقراری ارتباط بین ملت ها و بین آحاد مردم در درون هر کشور، درک متقابل و تحمل یکدیگر، روز به روز بیشتر می شود. از این رو، تشویق مردم به یادگیری زبان هایی که بخشی از میراث آنها را تشکیل می دهد و یا زبان هایی که امکان ارتباط متقابل را در صحنه های بین المللی فراهم می کند از شروع دوران جدید در زندگی مردم اکثر کشورها ادامه داشته است. امروزه، کسب مهارت های مربوط به یک یا چند زبان خارجی به وسیله شهروندان کشورهای مختلف، پیش شرط لازم برای مشارکت همه جانبه در جامعه بین المللی و استفاده از فرصت های آن است. این ضرورت در حدی است که برای مثال، در اروپا توصیه می شود که حداقل دو زبان خارجی مربوط به سایر کشورهای اروپایی به وسیله نسل جوان این قاره فرا گرفته شود تا امکان تفاهم و ارتباط بیشتری بین مردم این کشورها ایجاد گردد. حتی پارلمان اروپا، سال ۲۰۰۱ را به عنوان سال اروپایی زبان ها اعلام می کند و هدف از این کار این است که آگاهی مردم را نسبت به تنوع فرهنگی و زبانی و غنای این منطقه بالا ببرد و یادگیری زبان دیگر ملت ها را به عنوان کلید توسعه روابط فردی و شغلی با دیگران توصیه کند.

مسائل و چالش های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ (دکتر عبادی)

یادگیری زبان خارجی هم چنین به منظور استفاده از میراث های فرهنگی سایر کشورهاست و همان طور که قبلاً گفته شد، یادگیری زبان های لاتین، یونانی و عربی در دوره های مختلف تاریخی به دلیل محور بودن این کشورها از ابعاد مختلف بوده است. امروزه با توجه به توسعه صنعت و تجارت و نیز با جهانی شدن اقتصاد و توسعه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی و از همه مهمتر، با توسعه علم و دانش در کشورهای شمال و لزوم همگامی با جهان از این نظر، ضرورت یادگیری زبان های خارجی بیش از پیش توجه پذیر شده است. به استناد آمار، امروز حدود یک میلیارد نفر از زبان انگلیسی به عنوان زبان رسمی و یا زبان دوم خود استفاده می کنند. شاید مهم ترین دلیل این توجه به زبان انگلیسی، استفاده گسترده از آن در شبکه های بین المللی مانند اینترنت است. از نظر تعداد صفحات وب، انگلیسی ها با ۸۹٪ بر بقیه زبان ها برتری دارند و نیز ۵۸٪ کاربران اینترنت، انگلیسی زبانند. (همان) بدون تردید، گسترده شدن زبان انگلیسی در سراسر جهان و تبدیل آن به یک زبان مسلط نیز خطرات خود را در پی دارد و سلطه فرهنگی انگلیسی زبانان بر سایر کشورهای جهان را موجب می شود. از این رو، توصیه شده است که آموزش زبان خارجی به یک زبان خاص محدود نشود و در واقع، چند زبانی، تنها راه حلی است که می تواند جلوی این سلطه را بگیرد. لذا، آموزش زبان های خارجی در کشور باید زبان فرانسوی، آلمانی و سایر زبان های مورد نیاز را نیز شامل شود.

پدیده جهانی شدن بر آموزش و پرورش نیز تأثیرگذار شده و یکی از ابعاد آن، مسئله جابه جایی استاد، دانشجو و دانش در سراسر جهان است. از این رو، فارغ التحصیلان مدارس و دانشگاه ها تنها با بازار کار در داخل کشور روبه رو نیستند و در صورت دستیابی به تخصص مورد نیاز و قابل رقابت در منطقه و یا صحنه های بین المللی می توانند در هر جا که مایل باشند به آموزش بپردازند. بدون شک، دانستن زبان خارجی و تسلط بر آن یکی از پیش شرط های این جابه جایی و تحرک برای جستجوی تحصیل و اشتغال در سایر مناطق جهان است و آموزش و پرورش باید این مسئولیت را بپذیرد که آموزش زبان خارجی را به عنوان یک ابزار ارتقای علمی و نیز وسیله اشتغال و تحصیل شهروندان کشور در نظر گرفته و با رعایت کیفیت این آموزش و اعتدالی آن در سطح استانداردهای منطقه ای و جهانی، شرایط را برای حضور نیروهای کیفی و برتر جامعه فراهم سازد. از این رو، تصادفی نیست که تدریس زبان خارجی با افزایش نیاز کشورها به ارتباط جهانی فزونی یافته و تدریس آن به سراسر دوره متوسطه (و در بسیاری از کشورها به ابتدایی) تسریع یافته است. بدون شک، توجه به زبان خارجی و آموزش آن تنها به تعمیم فراگیری زبان به سراسر تحصیلات قبل از دانشگاه محدود نشده و توجه به جنبه های مختلف یادگیری زبان از نوشتن، خواندن و مهارت در ترجمه تا توانایی کلامی در برقراری ارتباط با کشورهای دیگر در نوسان بوده است.